

اسماعیل علوی

مدیر گروه پایداری

«اگر هوانیروز نبود، مقابله با نیروی رزمی قدرتمند ارتش عراق بسیار سخت می‌شد.» این گزاره‌ای است که بارها بر زبان بسیاری از کارشناسان نظامی داخلی و خارجی در ایام جنگ و بعد از آن جاری شده است. گفته می‌شود یکی از انگیزه‌های ایجاد هوانیروز ارتش عراق با استعداد صدها تانک بوده، طوری که درتوجیه خرید هلیکوپتر کبرا از سوی ایران تصریح می‌شود به تعداد هر تانک ارتش یعنی عراق یک هلیکوپتر کبرا خریداری خواهد شد. از این رو هوانیروز ارتش ایران همواره کلبوس نیروهای رزمی ارتش عراق بوده است، کابوسی که با شروع جنگ تحمیلی به حقیقت پیوست. هلیکوپترهای تهاجمی ای اچ-۱۹ جی کبرا هوانیروز نابودگر ستون‌های رزمی عراق بود. ۲۰۲ فروند از این هلیکوپترها در دو نوع با قابلیت حمل موشک ضد زره تاو و بدون این قابلیت در اختیار این یگان بود.

گفت و گو با امیر سرتیپ یوسف قربانی، فرمانده هوانیروز ارتش

## هوانیروز، ناجی خوزستان در روزهای آغازین جنگ



ایستاد

کرمان، اصفهان، مشهد، تبریز و قزوین فعال است. نیروهای هوانیروز دربیعت مجدد با امام خمینی (ره) رهبر انقلاب و بیناگذار نظام مقابل محل اسکان ایشان رژه باشکوهی رفتند که در کارنامه این یگان رزمی ثبت شده است. در چهل و دومین سالگرد این رژه تاریخی و به پاس خدمات این یگان پرتوان و کارآمد، این روز به‌نام روز هوانیروز ارتش جمهوری اسلامی نامگذاری شده و همه ساله از خدمات آنان تجلیل به عمل می‌آید. به این مناسبت گفت‌وگویی داشتیم با امیر سرتیپ دوم یوسف قربانی، فرماندهی هوانیروز که پیش رویتان قرار دارد.

### ■ هوانیروز با چه هدفی تأسیس شد؟

هوانیروز یگانی است که از نظر سازمانی زیر نظر نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی بوده و مخفف هواپیمایی نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی ایران است که مأموریت اصلی آن پشتیبانی رزمی از یگان‌های نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی ایران است. این مأموریت اصلی هوا نیروز برابر آن چارتری است که وجود دارد، ولی در عمل مأموریت‌های فراسازمانی بسیاری را نیز انجام می‌دهد.

### ■ چه مأموریت‌هایی؟

در صدر همه و در راستای مسائل دفاعی – امنیتی هوانیروز از تمامی نیروهای مسلح پشتیبانی می‌کند. چه نیروی نظامی، چه نیروهای مرزبان‌ی، چه یگان‌های ارتش و سپاه و چه نیروهای بسیج و مردمی که در دوران دفاع مقدس نمود عینی داشت. در شرایط امروز هم اگر اتفاقی بیفتد هوانیروز نوک پیکان عملیات هاست. بنابراین هر مأموریتی که در قالب دفاعی – امنیتی می‌گنجد، یک پای آن هوانیروز است. در کنار آن دیگر مأموریت‌های فراسازمانی و مردم یاری هم انجام می‌دهد که شاید اهمیت آنها کمتر از مأموریت‌های رزمی – امنیتی نباشد، چون برای مردم عزیز کشورمان است که هوانیروز با میل و رغبت در کنار مأموریت‌های اصلی خود آنها را هم انجام می‌دهد. به‌عنوان مثال در سیل لرستان، سیل گلستان و سیل خوزستان این هوانیروز بود که به داد مردمی که در سیل گرفتار شده بودند رسید و آذوقه‌رسانی کرد. مردم و حتی تیم‌های پزشکی را جابه‌جا کرد، یا در زلزله کرمانشاه، بالگردهای ما در یک نصفه و نیمه برای امداد و آذوقه‌رسانی می‌پزداد. تاکنون بارها از امکانات هوانیروز در جهت مهار آتش برای حفظ منابع طبیعی استفاده شده و بالگردهای ما به مأموریت‌های متعدد در این ارتباط به سراسر کشور اعزام شده‌اند. درموضوع خدمات اورژانسی ما حدود ۳۰ استان کشور را توسط بالگردهای مان پوشش هوایی داده و می‌دهیم که کمک بزرگی به تأمین جان و سلامت مصدومین محسوب می‌شود. حتی یکی از خلبان‌های ما حین انجام این

در طول هشت سال جنگ،

هوانیروز نزدیک به ۳۰۰

هلیکوپتر خودوده‌ها

خلبان و خدمه پروازی اش

را از دست داد و ده‌ها فروند

هلیکوپتر دیگر هم به علت

آسیب‌های وارده در عملیات

نظامی غیر عملیاتی شدند

طوری که در سال ۱۳۶۷ تنها

۲۴۰ هلیکوپتر عملیاتی در

خدمت این نیرو بود؛ حتی

در آن وضعیت هم هوانیروز

ایران هنوز قوی‌ترین

هوانیروز خاور میانه بود



دست مأموریت‌ها به شهادت رسیده است. خاتم‌هایی که برای زایمان باید از نقاط صعب العبور به مناطق شهری آورده شوند اقدام دیگری در این راستاست که توسط بالگردهای هوانیروز انجام می‌گیرد. هوانیروز به‌عنوان یک پتانسیل قوی درموضوع هوپیمای‌ها ما در جابه‌جایی این اعضا نقش مهمی برعهده دارند و به کمک گیرندگان اعضای بدن می‌آیند، تا این امر انسانی به سهولت انجام پذیرد و بعد مسافت مانعی برای انجام آن نباشد. اقدام دیگر هوانیروز کمک به هرچه بهتر برگزار شدن انتخابات است. هوانیروز امکاناتش را در زمان انتخابات در خدمت این امر مهم قرار داده و با توان بالایی وارد این عرصه خدمت شده و خدمات مهمی را عرضه می‌کند. در انتخابات اخیر ما نزدیک به ۳۳۰ بالگرد را برای انجام بهتر انتخابات به کار گرفتیم. در مناطق صعب العبور تعداد قابل توجهی از صندوق‌های رأی توسط نفرات و بالگردهای ما جابه‌جا شدند. این کارها جزو وظایف سازمانی ما نیست، ولی انجام می‌دهیم و الحمدلله مؤثر هم بوده‌ایم. مورد دیگر جابه‌جایی شخصیت‌ها و اسکورت آنان است که از سوی هوانیروز، به‌عنوان یک نیرویی با کارکرد رزمی – عملیاتی انجام می‌پذیرد.

### ■ انگیزه نامگذاری ۱۹ تیر به‌عنوان روز هوانیروز چیست؟

در تیرماه سال ۱۳۵۸ تعدادی از کارکنان هوانیروز از مقابل امام در قم رژه رفتند. از این

■ دوشنبه ۲۱ تیر ۱۴۰۰  
■ سال بیست و هفتم  
■ شماره ۷۶۷۵

رو تصمیم گرفته شد تا از امسال این روز به‌عنوان روز هوانیروز نامگذاری شود و همه ساله برنامه‌هایی برای این روز تدارک شود. ■ **آن راهپیمایی در چه شرایطی و به چه منظوری انجام گرفت؟**

از پیش از انقلاب کارکنان هوانیروز با حضرت امام از طریق اطرافیان ایشان ارتباط داشتند؛ حتی افرادی از یگان ما در مأموریت‌های خود اعلامیه‌های امام را به دست آورده و جابه‌جا می‌کردند. ■ **کارکنان هوانیروز با امام ارتباط داشتند؟**

بله از همان وقت بچه‌های هوانیروز با حضرت امام ارتباط داشتند. علاقه، علقه و ارتباط پرسنل هوانیروز نسبت به امام به سال‌های قبل از انقلاب بازمی‌گردد که مستندات آن هم موجود است. در جریان انقلاب یکی از نهادهایی که در حرکت توفنده مردم نقش بی‌بدیل داشت، هوانیروز بود. ارتش بموقع اعلام موضع کرد و به مردم و امام پیوست، ولی هوانیروز یکی از یگان‌های اثرگذار ارتش بود که خیلی پیشتر با امام و آرمان‌های انقلاب همراه شده بود. از این رو پایگاه‌های اصفهان و کرمانشاه را می‌توان یکی از کانون‌های انقلاب برشمرد. اغلب پرسنل هوانیروز با امام خمینی (ره) اعلام همبستگی کرده بودند و هلی‌کوپترهای این یگان در جهت اهداف انقلاب و از جمله در جابه‌جایی حضرت امام اقدام شجاعانه‌ای انجام داد.

۱۹ رژه تیر در شرایطی انجام گرفت که بر اثر فضای انقلابی احزاب و گروه‌های زیادی سربر آورده بودند که به‌دنبال سهم خودشان بودند. آنان از آنجایی که به اهداف خودشان نرسیده بودند به‌دنبال این بودند که ضربه‌ای به انقلاب بزنند. براین اساس ندای انحلال ارتش و یگان‌های آن را سر دادند. برکسی پوشیده نبود که این تلاش‌ها در جهت ضربه زدن به بنیه دفاعی کشور بود. آنان می‌خواستند سپر دفاعی کشور که ارتش بود، حذف شود تا دشمنی‌های خود را در غیاب ارتش به هدف اجابت رسانند. در روز ۱۹ تیر رژه خودجوشی از سوی پرسنل دلسوز هوانیروز انجام گرفت که به تقویت جایگاه نیروهای دفاعی کشور انجامید و همسوئی ارتش با مردم و انقلاب مردمی را به رخ همگان کشید. این بود که ایده‌های اولیه و در ادامه به اجرا درآمدن آن از سوی خود پرسنل هوانیروز انجام گرفت. این ایده از طریق دفتر امام به ایشان پیشنهاد شد و گفته شد که خلبانان هوانیروز می‌خواهند در مقابل شما رژه بزنند. فرمانده وقت نیروی زمینی امیر سرلشکر شهید فلاحی هم با آن موافقت کرد، فرماندهی هوانیروز هم موافقت خود را اعلام کردند و تصویب شد. بنا شد این رژه در تاریخ ۱۹ تیر ماه ۱۳۵۸ از مقابل امام در قم انجام پذیرد.

### ■ این رژه دارای چه آثار و نتایجی در آن زمان بود؟

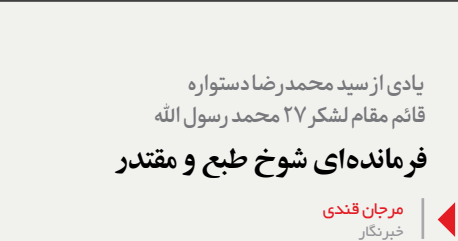
رژه پرسنل هوانیروز در شرایطی انجام گرفت که بالگردهای ما مسلح بودند، این مسلح بودن امری عادی نبود و حکایت از اعتماد امام نسبت به فرزندان خودش در ارتش و هوانیروز داشت. اصل رژه فقط یک بعد ماجرا بود و مسلح بودن پرسنل و بالگردها حین رژه بعد دیگر آن. امام با این کار خود نشان داد که به فرزندان خودش در ارتش اعتماد صدرصد دارد. این موضوع کمی نبود و در آن شرایط از اهمیت خاصی برخوردار بود. همه پرسنل آن روز به‌صورت مسلح رژه رفتند و این دستور امام بود. امام

آن روز مقابل پرسنل ارتش که با بالگردهای مجهز به موشک و مسلح به توپ برای رژه آمده بودند حاضر شد و فرمود: «اینها فرزندان من هستند» آن ۶۰ فروند بالگرد ما مجهر به موشک و توپ بود با وجود این حضرت امام دستور داد رژه یک بار دیگر تکرار شود. این برای پرسنل یگان ما خیلی مهم بود زیرا نهایت اعتماد امام به فرزندان خودش در ارتش را می‌رساند. بعد از این رژه بچه‌ها و خلبانان ما روحیه بالایی پیدا کردند و انگیزه‌ای شد برای پرسنل و خلبانانی که حضرت امام به آنان تاین حد اعتماد کرده بود.

### ■ آثار این رژه در شرایط آن روز کشور چه بود؟

آثار بسیار مثبتی داشت. از جمله وقتی گروه‌های قدرت طلب دیدند باوجود ایجاد جو علیه ارتش، امام اینگونه به آنان رفتار می‌کند از اقدامات خود مأیوس شدند. آن روز همه آنان که فکر می‌کردند ارتش یک ارتش وابسته است، دیدند که ارتش با تمام وجود و با خلوص نیت پای کار آمده است. حتی می‌توانم بگویم روح شهادت طلبی در راه انقلاب از اینگونه برخورد‌ها شکل گرفت و شعار ارتش فدای ملت در چنین موقعیتی خود را نشان داد. اولین بار شعار ارتش فدای ملت در این مراسم داده شد و ما هنوز به این شعار پایبندیم. حضور داوطلبانه و با جان و دل ارتش در عرصه‌های مختلف هم به نحوه برخورد امام در این رژه برمی‌گردد؛ این بود که پرسنل ارتش با روحیه وصف‌ناپذیر وارد حوادث و غائله‌های توطئه‌آمیز شدند و پلی هوایی بین خط مقدم و پایگاه‌های نظامی ایجاد شد. در دوران دفاع مقدس اعتماد آن روز امام موجب شد تا پرسنل هوانیروز سنگ تمام بگذارند و با جان و دل در جنگ حضور یابند؛ بخصوص در سه روز اول جنگ واقعاً بدرخشند تا آنجا که هر ناظر منصفی بگوید: «اگر هوانیروز در کنار نیروی هوایی نبود شاید سرنوشت جنگ به گونه دیگری رقم می‌خورد.» ما آمادگی برای جنگ نداشتیم ولی به لطف خدا از آن سربلند و روسفید بیرون آمدیم. در جریان جنگ بالگرد ما هواپیمای دشمن را سرنگون کرد، حادثه‌ای که در دنیای سابقه است و یکی از شاهکارهای پرسنل هوانیروز در جنگ تحمیلی محسوب می‌شود. همچنین در عملیات مرصاد که به سالروز آن نزدیک می‌شویم هوانیروز نقش بی‌بدیلی را برعهده گرفت و برگ زرین دیگری بر افتخارات ارتش افزود. چرا که اگر فرشته‌های آهنین بال هوانیروز نبودند، شاید سرنوشت جنگ به گونه‌ای دیگر رقم می‌خورد خلبانان شجاع ما تانک و نفربری‌های زیادی از دشمن را منهدم کردند و ضربه‌ای کاری به ماشین جنگی دشمن وارد آوردند. هوانیروز در جنگ خودش را نشان داد و توانایی‌هایش تبلور یافت. تا آنجا که امام (ره) خطاب به پرسنل هوانیروز پیام داد و فرمود: «من از شما که پرواز می‌کنید و به هرچوی از انجا در آمادگی کامل هستیید تشکر می‌کنم و دست شما را می‌فشارم.» و این مدالی است برای ما که از جانب امام بر سینه‌ها تک پرسنل هوانیروز نصب است. رهبری هم اخیراً فرمودند: «من هوانیروز را تحسین می‌کنم» اینها مدال‌های افتخاری است که بر سینه ما می‌درخشد. امروز هم هوانیروز به‌عنوان یک یگان قدرتمند در جهت اهداف دفاعی کشور آماده انجام وظیفه و فداکاری است. هوانیروز امروز در منطقه غرب خاورمیانه قدرتمندترین ناوگان را داراست و آمادگی دفاعی امنیتی ما بسیار مطلوب است.

■ دوشنبه ۲۱ تیر ۱۴۰۰  
■ سال بیست و هفتم  
■ شماره ۷۶۷۵

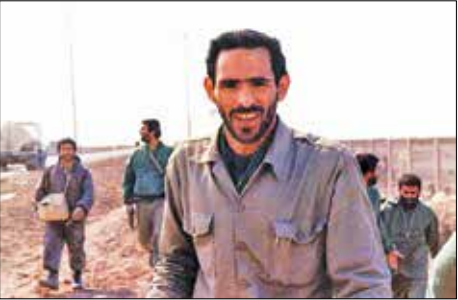


پایه‌ی از سید محمدرضا دستواره قائم مقام لشکر ۲۷ محمد رسول الله فرمانده‌ای شوخ طبع و مقتدر

مرجان قندی

خبرنگار

سید محمدرضا دستواره قد بلند، شوخ طبع و باهوش بود. وارد جنگ که شد یک بسیجی ساده بود. فرمانده گروهان، گردان، محور و تیپ شد و دست آخر در کسوت سرپرستی یک لشکر بزرگ به شهادت رسید. سید محمدرضا دستواره به مصداق اسمش همیشه رضا بود. سید محمدرضا سال ۱۳۳۸ در علی آباد خزانه یکی از محروم‌ترین و جنوبی‌ترین محله‌های تهران به دنیا آمد. پدرش سید تقی در کارخانه نمک‌سازی کار می‌کرد و با درآمدی که داشت سخت می‌شد یک خانواده عیال وار را اداره کرد. با این همه محمدرضا که در بین سه پسرش از همه بزرگتر بود، خیلی زود همه چیز دستگیرش شد؛ یعنی خانه کمک خرج می‌خواست. این شد که با همه علاقه‌ای که به درس و تحصیل داشت، کلاس نهم را که تمام کرد به بازار رفت تا کار کند. همزمان با ادامه تحصیل سال ۵۷ که صدای انقلاب کم‌کم همه جا پیچید، محمدرضا هم آرام نماند. کار او به شرکت در تظاهرات علیه رژیم خلاصه نمی‌شد. دوستانش را که سال آخر دبیرستان درس می‌خواندند به فعالیت علیه رژیم و شرکت



در مراسم مختلف تشویق می‌کرد. بالاخره روزی رسید که امام از تبعید برگشت. آن روز هرکسی برای استقبال از امام کاری می‌کرد. یکی خیابان را تمیز می‌کرد، آن یکی بین مردم شیرینی پخش می‌کرد، بعضی هم کف خیابان را با گل تزئین می‌کردند. اما محمدرضا کار نسبتاً حساس تری داشت؛ او آن روز مسئول امنیت بخشی از میدان آزادی بود.

انقلاب پیروز شد و کمی بعد سپاه هم تشکیل شد. محمدرضا عضو سپاه شد. اما هنوز چیزی از تشکیل سپاه نگذشته بود که غائله‌های مختلف ضد انقلاب در گوشه و کنار کشور شروع شد. این شد که محمدرضا در دی ماه ۱۳۵۸ راهی کردستان شد. در کردستان همراه فرماندهانی چون رضا چراغی و احمد متوسلین تمام تلاش خود را برای برقراری امنیت به کار گرفت. مقصد بعدی او بعد از روانسر و بیاه، مریوان بود. شهر تازه آزاد شده مریوان ویران و نیمه تعطیل بود و کسی سرکار نمی‌رفت. به همین دلیل حاج احمد متوسلین فرمانده سپاه مریوان به پاسداران جوان دستور داده بود در ادارات مختلف مثل شهرداری، رادیو و تلویزیون و بیمارستان‌ها مشغول خدمت‌رسانی به مردم شوند.

در این بین مسئولیت سید محمدرضا هم تأمین کالا و ارزاق و مایحتاج ضروری مردم بود. کاری که به شیوه خاص خودش انجامش داده بود. ۵ ماهی که از ماندن در مریوان گذشت با حمله ارتش عراق به کشور جنگ شروع شد. حالا دیگر جبهه جنگ محدود به کردستان نبود. سرتاسر مناطق مرزی غرب کشور صحنه جنگ بود.

سید محمدرضا ۵ ماهی به گیلانغرب و سرپل ذهاب رفت و بعد دوباره به مریوان برگشت، اما در مریوان مجروح و ناچار شد برای مداوا مدتی از جبهه فاصله بگیرد. بازگشت او به مریوان زمانی بود که زمره تشکیل یک تیپ تازه از سپاه برای جنگیدن در جبهه‌های جنوب با استفاده از نیروهای تحت امر حاج احمد متوسلین و ابراهیم همت مطرح شده بود. لیاقتی که محمدرضا دستواره در مسئولیت پرسنلی لشکر از خود نشان داد باعث شد تا در عملیات رمضان به‌عنوان مسئول محور و بعد در عملیات مسلم بن عقیل به‌عنوان معاون تیپ معرفی شود. جایی که پایش به سختی مجروح و دوباره راهی بیمارستانی در تهران شد.

در فاصله زمستان ۱۳۶۱ تا ۶۲ محمدرضا در عملیات‌های والفجر مقدماتی ۱ و ۴ عهده دار مسئولیت یکی از تیپ‌های لشکر ۲۷ محمد رسول‌الله بود تا اینکه در شروع عملیات خیبر، محمد ابراهیم همت فرمانده لشکر مسئولیت معاونت عملیاتی لشکر ۲۷ را به او سپرد. با شهادت همت در عملیات خیبر، عباس کریمی جاشین او شد؛ او سید محمدرضا را به‌عنوان قائم مقام لشکر ۲۷ معرفی کرد، اما کمتر از یک سال بعد خودش در عملیات بدر در اسفند سال ۶۳ به شهادت رسید.

این چنین شد که فرمانده کل سپاه، سیدمحمدرضا دستواره را به سرپرستی لشکر ۲۷ محمد رسول‌الله منصوب کرد. عدم رضایت کامل فرماندهان نظامی ایران از عملیات‌های انجام شده پس از آزادی خرمشهر تا بعد باعث طرح‌ریزی عملیات والفجر ۸ شد. در این عملیات فرماندهان لشکر به‌عنوان فرماندهان بخش‌های مختلف در این عملیات شرکت کردند. باتک‌های سنگین ارتش عراق که با گلوله باران شیمیایی توپ و خمپاره و بمباران‌های مکرر هوایی همراه بود امان مدافعان فاو را بریده بود. اما سید محمدرضا با آن خلق خاص و سرنترس باز هم سعی می‌کرد به روش خودش روحیه رزمندگان مدافع خط مقدم ببرد را حفظ کند.

سال ۱۳۶۵ برای خانواده دستواره سال خاصی بود. حسین پسر کوچک خانواده ۱۷ سالش تمام شده بود و می‌توانست به جبهه برود. حالا محمدرضا، محمد و حسین هر سه پسر سیدتقی همزمان با هم در جبهه بودند. با شروع عملیات کربلای یک، حسین که تازه دو ماهه بود به جبهه آمده بود شهید شد. محمدرضا سه روز برای شرکت در مراسم برادرش به تهران آمد و بعد بلافاصله دوباره به جبهه برگشت. اما به همه سپرد کنار مزار حسین جایی را برایش آماده نگه دارند. روز سیزدهم تیرماه ۱۳۶۵ یعنی ۱۵ روز بعد از شهادت حسین و درست روزی که شهر مهران آزاد می‌شد دعای محمدرضا از آسمان هفتم گذشت و به آرزویش رسید؛ خمپاره‌ای کنارش منفجر شد و او را به برادر شهیدش حسین ملحق کرد. پیکر محمدرضای خستگی‌ناپذیر در تنها تابوت موجود کانتینر معراج شهدا آرام گرفته بود و لبخندی که روی لبانش خشک شده بود نشان می‌داد با رضایت تمام بار همه خستگی‌ها را زمین گذاشته و بی‌ادعا و نجیب تا آن طرف کهکشان‌ها پرواز کرده است.